



میثم رشیدی مهرآبادی

سردبیر  
قفسه کتاب

نشست نقد و بررسی کتاب «لب خط» نوشته سمیه جمالی با حضور حسین بهشتی (راوی)، محمد قاسمی پور (منتقد)، جواد کلاته عربی (مدیر انتشارات ۲۷ بعثت) و معصومه زهراکار از همکاران این انتشارات در محل روزنامه جام جم برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این نشست است.

## استاد محمد قاسمی پور:

### مرام داری و برادری

حس می‌کنم جای محقق بزرگوار این کار در این جمع خالی است و شاید در جاهایی عرایض من مربوط به عملکرد ایشان باشد. آشنایی ذهنی و فکری من با راوی، کمی عقب‌تر از این کتاب بود. وقتی تحقیق کتاب شهید اصغر فلاح پیشه در جریان بود، ذکر خیر ایشان در آن خاطرات بود و نقش و عملکردشان بیان می‌شد و من تشنه دیدارشان بودم. سیمای ذهنی من از ایشان چه در آن کار و چه در کتاب خانم توکلی به واقعیت امروز ایشان نزدیک بود. متن کتاب را به صورت پیش‌نویس اولیه دیده بودم، ولی شیرازه و ساختمان کتاب را نداشت. وقتی دیدم که در پیشانی کتاب از شهید اصغر فلاح پیشه یاد شده، از این مرام داری و برادری لذت بردم.

در کتاب چندین بار اشاره شده که جایگاه‌ها و مقامات در آن دوره به همین صورت بود. فرمانده بودی، حاجی بودی و کمی پایین‌تر آقا بودی و وقتی می‌گفتند آقا رضا، یعنی صمیمی هستند.

### زندگی محور جلو برویم

این تیپ کارهای برآمده از خاطرات شفاهی در بخش عمده ناظر بر مرحله ثبت و ضبط است. این‌که در ارتباط‌گیری چقدر موفق شویم و انس، الفت و همدمی مؤثرترین مولف و صاحب خاطره اتفاق بیفتد و بتوانند با اعتماد و امنیت روحی و روانی خاطرات خود را به شکل حداکثری روایت کنند.

در نشر ۲۷ بعثت توجه به زندگی و محوریت زندگی غالب شده و وجود دارد. به نظر من

■ سمیه جمالی:

## تصویر متفاوتی از شهید دستواره برایم ساخته شد

این کتاب اولین مواجهه شما با رزم است و به نظر می‌رسد کار سختی داشتید. چرا این کار را پذیرفتید؟

بعد از کتاب «اشک را مهلت ندادیم» که دوستان نشر ۲۷ زحمت چاپ آن را برعهده داشتند، یک کتاب دیگر درباره همسر شهید به من پیشنهاد شد، ولی قبول نکردم. این موضوع چند بار مطرح شد؛ نمی‌خواستم باز هم درباره همسر شهید بنویسم و می‌خواستم موضوع دیگری به من معرفی شود. آقای کلاته در جلسه‌ای نوشتن خاطرات فرمانده مخابرات را به من پیشنهاد دادند. تا کلمه مخابرات به گوشم خورد با خودم گفتم چقدر جذاب، چون بخش فنی برای من جذاب است و دوست دارم با این حوزه آشنا شوم. احساس کردم کمتر درباره بخش‌های فنی جنگ گفته شده است. آنچه شنیده بودیم بیشتر درباره فریاد باهرا، ... اکبر و شروع عملیات نظامی بود و درباره بخش‌های پیچیده اطلاعاتی، فنی و عملیاتی کمتر گفته شده و این حوزه‌ها کمتر مورد علاقه مخاطب عام بود.

### تصور من از مخابرات

تصور من این چیزی نبود که امروز می‌دانم. نهایت تصورم بی‌سیم‌چی‌ها بودند. فکر می‌کردم خاطرات جنگ در حوزه مخابرات یعنی بی‌سیم‌چی‌ها به هم چه گفته‌اند و در هر عملیاتی چه صحبت‌هایی شده است.

درست این است که ما زندگی محور جلو برویم و در مسیر این زندگی نقش‌آفرینی صاحب خاطره را در هر عرصه‌ای چه دوران دفاع مقدس و چه در زندگی حرفه‌ای و چه بزرگسالی دنبال کنیم. کار از بابت زیرساخت‌های مربوط به خانواده و خاستگاه فرهنگی و اجتماعی راوی بزرگوار کار موفقی است ما جزئیات را داریم که نوع زیست و لایه اجتماعی‌شان کاملاً ملموس می‌شود و مکان‌ها هویت دار و برای ما باورپذیر است و آنها را پیدا می‌کنیم و با آنها به حرکت در می‌آییم.

از این جهت هم محقق کار و هم نویسنده، زحمت کشیده‌اند و در طراحی فضا و محیط موفق هستند. به نظر من کار کشش خوب و مناسبی دارد.

### دوری از فضای خاطره

من احساس می‌کردم در فراهم‌آمدن کار جانمایی و انرژی اصلی خانم جمالی برای یک‌سوم آغازین صرف شده، یعنی کار زیادی انجام داده‌اند و در ادامه خاطرات مربوط به جنگ و سال‌های جنگ را داریم که گویی مکث، تأمل، سامان‌دهی و مهندسی لازم را از جانب نویسنده نداشته است.

قضاوت سخت است. پیش‌فرض من این است که، این موضوع به مرحله تحقیق مربوط می‌شود که به جزئی‌نگری، ریزپرداز زبستگاه، دوره کودکی و نوجوانی، فضاها و... مکث نشده است. گذر از زمان و مشابیهت‌های کاری حوزه مخابرات از این عملیات به آن عملیات قدری حالت گزارش به خود گرفته و از فضای خاطره دور می‌شود.

البته این‌که راوی اصرار داشت تاریخچه مخابرات و سازوکار و سامانه مخابرات لشکر کار شود بر ذهن ایشان سایه داشته، چون فردی

وقتی وارد کار شدم متوجه شدم چه اصطلاحات جالبی دارند و چه دنیای عجیبی است. ابتدای کتاب با رخ دادن یک اشتباه شروع می‌شود که این موضوع برای من بسیار جالب بود. آن زمان این تصور را داشتم که شاید نوشتن از این موضوع حتی به جلوگیری از انتشار کتاب منجر شود. صداقت راوی و نقل آن سوتی بزرگ هم، جالب بود.

در این کار شهید دستواره برایم شخصیتی بزرگوار و عزیز شد. شاید آن قدر که برای راوی عزیز بود و همیشه در مصاحبه‌ها از او تعریف می‌کردند، برای من هم به همان میزان بولد شد. جوش‌زدنش و تپیدن قلبش برای این‌که کار درست انجام شود؛ تصویر متفاوتی برای من ساخته بود. برای شناختن این شهید بزرگوار و نزدیک شدن به شخصیت، کتاب آقای بابایی را خواندم. وقتی مصاحبه‌ها را خواندم و می‌نوشتیم و متن را آماده می‌کردم، به این رسیدم که بخش‌هایی از مصاحبه‌ها ضعیف دارد. همکارم خانم زمانی زحمت آن مصاحبه‌ها را کشیدند و من هم چند جلسه با ایشان صحبت کردم و رفت‌وآمدی داشتیم. خانم زهراکار نیز مصاحبه‌های دیگری از سازمان اسناد برای من فرستادند.

از ابتدای کار با خودم می‌گفتم شاید مخابرات برای من جالب است و برای مخاطبان جذابیتی نداشته باشد به همین دلیل سعی کردم طوری بنویسم که برای همه جذاب باشد.

## این کتاب ذیل

### حوزه روایت

### پیشرفت قرار

### می‌گیرد

### ولی چون کار

### زندگی محور

### شروع شده و کفه

### خانوادگی‌اش

### قوی‌تر است؛

### می‌توان گفت

### نیمه دوم کتاب

### روایت پیشرفت

### است

### آدم‌ها را دست‌یافتنی کنید

همیشه توصیه من به کسانی که می‌خواهند از سال‌هایی بنویسند که آنها را زیسته‌اند، این است که فراتر از متن تحقیق، اقدام جست‌وجو در میدان اتفاق بیفتند. باید قدمگاه‌ها،

### ایرادات کتابم را می‌پذیرم

به نظرم دفاع نویسنده از کار خودش درست نیست. من ایراداتی را که وجود داشت می‌پذیرم. رفت‌وبرگشت‌هایی در این کار وجود داشت، در مواردی باید کار اصلاح می‌شد که نشده است. کتاب‌های حوزه دفاع مقدس امروز به دو دسته تقسیم می‌شود یک دسته حالت تاریخی و تاریخچه‌ای دارد؛ همان کارهایی که ما به آنها کارنامه و توصیفی می‌گوییم و کارهای ارزشمندی هستند ولی بخش دوم کارهایی هستند که حاوی خاطرات و روزنوشت است، نشان می‌دهد ما کجا بودیم و به کجا رفتیم و برای مخاطب عام جالب است. این بخش مهم است و اگر هدف ما تأثیرگذاری در جامعه و به‌ویژه میان جوان‌هاست باید این بخش جدی گرفته شده و روایت شود.

متأسفانه به کارهایی که ثبت‌تاریخ هستند اهمیت

بیشتری داده می‌شود تا این کتاب‌ها که قصه‌ای دارند. قصه‌ها نشان می‌دهد این آدم‌ها دست‌یافتنی هستند. نشان می‌دهد ما کجا بودیم و به کجا رسیده‌ایم. به نظر من روایت بدون سانسور این شخصیت‌ها در زمان گذشته و آنچه انجام دادند درست‌تر است. خواننده در چنین اثری عاشق این آدم‌ها خواهد شد.

درنشستی صمیمی، کتاب «لب خط» را با حضور

# خاطرات آقای بهشتی